



An Investigation of Sufyani's Religion in the Narratives of Two Major Sects of Islam*

Seyyed Ziyaddin Ulianasab ¹

Seyyed Majid Nabavi ²

Abstract

One of the signs of the apocalypse is the uprising of Sufyani (the enemy of Imam Mahdi) in Syria. The present article has analyzed the belief and religious status of Sufyani in the narratives of Two Major Sects of Islam with a descriptive and analytical method. Because Sufyani is an enemy of Ahl al-Bayt and he is the leader of the enemies of the truth, and his apparent religion deceives Muslims, knowing him is essential for those who are waiting for Imam Mahdi. Sufyani's actions and behavior and bloodshed in the end of time are rooted in his religion and beliefs. Narratives indicating the religion of Sufyani can be classified into four groups: 1. Sufani being a Muslim; 2. Sufyani being a Christian; 3. Sufyani's conversion to Christianity; 4. Pretend to be ascetic and Muslim. With the difference is that Sunni narrative sources about Sufyani refer to his being a Muslim, signs of worship on his face and pretending to be Muslim, but in Shia narrative sources, Sufyani's pretense of asceticism, unbelief and desire to become a Christian can be seen. According to the mentioned traditions, he is a Muslim who becomes a Christian or, according to the situation and circumstances, he pretends to be a Muslim and aligns himself with Christianity, and in fact, he is an infidel and does not believe in Islam or Christianity.

Keywords: Sufyani, Sufyani's Beliefs, Signs of Appearance, Apocalyptic Events.

*. **Date of receiving:** 21 March 2021, **Date of approval:** 23 September 2021.

1. Associate Professor, Quran and Hadith Department, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran, Corresponding Author: (z.olyanasab@hmu.ac.ir).

2. Ph.D., Quran and Hadith, University of Arak, Iran; (majidnabavi1366@gmail.com).



بررسی دین سفیانی در روایات فریقین*

سیدضیاءالدین علیان‌سب^۱ و سیدمجید نبوی^۲

چکیده

یکی از نشانه‌های آخرالزمان، خروج سفیانی (دشمن امام مهدی عج) در شام است. نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی، وضعیت اعتقادی و دینی سفیانی در روایات فریقین را بررسی کرده است. از آنجا که سفیانی دشمن اهل بیت ع و رهبری دشمنان حق را بر عهده دارد و تدین ظاهری او باعث فریب مسلمانان می‌شود، شناخت او برای منتظران، ضروری است. اعمال و رفتار و خونریزی‌های سفیانی در آخرالزمان ریشه در دین و اعتقادات او دارد. روایات حاکی فریقین از دین سفیانی را می‌توان در چهار گروه دسته‌بندی کرد: ۱. مسلمان بودن سفیانی؛ ۲. نصرانی بودن سفیانی؛ ۳. نصرانی شدن سفیانی؛ ۴. تظاهر به زهد و مسلمانی. با این تفاوت که منابع روایی اهل سنت درباره سفیانی، به مسلمانی، آثار عبادت در چهره و تظاهر به اسلام وی اشاره دارد، لیکن در منابع روایی شیعی تظاهر به زهد، بی‌ایمانی و تمایل به نصرانیت سفیانی به چشم می‌خورد. بر اساس روایات مورد اشاره، وی مسلمانی است که نصرانی می‌شود و یا با توجه به موقعیت و شرایط پیش رو، هم تظاهر به مسلمانی و هم با نصرانیت هم‌سویی و همراهی می‌کند و در حقیقت کافر است و ایمانی به اسلام و نصرانیت ندارد.

واژگان کلیدی: سفیانی، اعتقادات سفیانی، علائم ظهور، حوادث آخرالزمان.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹.

۱. دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه ع، قم، ایران، نویسنده مسئول: (z.olyanasab@hmu.ac.ir).

۲. دانش‌آموخته دکتری، قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، ایران؛ (majidnabavi1366@gmail.com).



مقدمه

بر اساس روایات شیعه و سنی، قیام حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان، به عنوان وعده تخلف ناپذیر الهی به وقوع خواهد پیوست و آن حضرت، با اراده الهی، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. روایات فراوانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم شیعه علیهم السلام، وقایع و حوادثی را پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام، خبر داده‌اند که از آنها به عنوان نشانه‌های ظهور، نشانه‌های قیام و نشانه‌های خروج قائم، یاد شده است. برخی از روایات شیعی، نشانه‌های ظهور را به دو دسته حتمی و غیر حتمی تقسیم کرده‌اند، «مِنَ الْأَمْرِ مَخْتُومٌ وَمِنْهُ مَا لَيْسَ بِمَخْتُومٍ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۰) و اکثر نویسندگان متأخر نیز بدان تصریح نموده و کسی منکر آن نشده است (عاملی، ۴۲؛ اکبرنژاد، ۱۴۷؛ سرور، ۲۴؛ حسنی، ۱۹۱). حتی تقسیم نشانه‌ها به حتمی و غیر حتمی از دیدگاه برخی از حد تواتر گذشته است (مجتبی الساده، ۲۲۹؛ محمد سند، ۱۴۲۹: ۱۲۷).

برخی نویسندگان، مجموع نشانه‌ها اعم از حتمی و غیر حتمی را تا ۲۵۰ نشانه شمرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۹: کتاب مأتان و خمسون علامه حتی ظهور المهدی) تفسیر قمی، تنها یک مورد از نشانه‌ها را حتمی دانسته است «وَهُمْ وَاللَّهِ أَصْحَابُ الْقَائِمِ علیه السلام يَجْتَمِعُونَ وَاللَّهُ إِلَيْهِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ، فَإِذَا جَاءَ إِلَى الْبَيْدَاءِ يُخْرَجُ إِلَيْهِ حَيْشُ السُّفْيَانِيِّ» (قمی، ۱۴۰۱: ۱۷۰/۱) برخی سه مورد: اختلاف بنی عباس، ندای آسمانی و خروج قائم را حتمی شمرده «اِخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ مِنَ الْمَخْتُومِ، وَالنِّدَاءُ مِنَ الْمَخْتُومِ، وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ الْمَخْتُومِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۹۵/۱۵) و برخی، چهار مورد را نام برده‌اند «مِنَ الْمَخْتُومِ الَّذِي لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ قَبْلِ قِيَامِ الْقَائِمِ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ حَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِيَّةِ وَ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۴) در یک روایت نیز نشانه‌های حتمی، پنج مورد ذکر شده است که چون مصادیق آنها با هم تفاوت دارد، تعداد آنها از دیدگاه برخی به نه مورد می‌رسد که عبارت‌اند از: خروج سفیانی، قتل نفس زکیه، ندای آسمانی، خسف بیداء، طلوع خورشید از مغرب، اختلاف فرزندان عباس، خروج یمانی، ظهور دستی در آسمان و خروج قائم علیه السلام^۱. اما بسیاری از عالمان شیعی، پنج نشانه «یمانی، سفیانی، خسف بیداء، قتل نفس زکیه و ندای آسمانی» را علامت‌های حتمی می‌دانند (قادری، ۱۳۹۰: ۱۲۶). برخی از نویسندگان نیز، تعداد نشانه‌های حتمی را تا ده مورد به‌شمار آورده‌اند (موسوی، ۱۴۲۷: ۱۳).

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: (علیانسنب سیدضیاءالدین، نبوی سیدمجید. بررسی تعداد و مصادیق نشانه‌های حتمی قیام حضرت مهدی علیه السلام در روایات شیعی و نقد برخی از آن‌ها. پژوهشنامه قرآن و حدیث. ۱۳: ۲۲۵-۲۵۳).

در مجموع، ۱۶ روایت با قید «محتوم» و یک روایت با قید «حتم» نقل شده که به مبحث نشانه‌ها مربوط است که در چهار روایت از آنها تنها حضرت قائم علیه السلام به عنوان امر حتمی مطرح شده، در دو روایت، خروج حضرت مهدی علیه السلام در کنار علانم حتمی دیگر آمده و در دوازده روایت از سفیانی یاد شده، در دو روایت از اختلاف بنی عباس و در پنج روایت از ندای آسمانی و چهار روایت از نفس زکیه، یک روایت یمانی، در دو روایت کف، یک روایت فزعه در رمضان و در دو روایت از خسف و در یک روایت نزول عیسی یاد شده است (علیانسب، ۱۳۹۹: ۲۲۹/۱).

برای مثال امام سجاد علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «امر قائم از جانب خدا حتمی است و امر سفیانی از جانب خدا حتمی است. قائم بدون سفیانی نخواهد بود.» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۷۴). این روایت حاکی از آن است که خروج سفیانی حتمی است.

بر این اساس، سفیانی یکی از نشانه‌های حتمی ظهور امام زمان علیه السلام است به‌ویژه آنکه در پنج روایت از سفیانی با قید «المحتوم الذی لابد منه» تعبیر شده است و شاید بتوان از این مطلب تواتر حتمیت سفیانی را در روایات شیعی را نتیجه گرفت.

یکی از نشانه‌های حتمی، «خروج سفیانی» است که در میان نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام جایگاه محوری دارد؛ مثلاً وقتی سخن از یمانی (قحطانی)^۱، خراسانی و... است، به نوعی، دیگر علامت‌ها به سفیانی مرتبط می‌شوند؛ چراکه یمانی و خراسانی به جنگ سفیانی می‌روند (علیانسب، ۱۳۹۸: ۱۵۲).

در خصوص خروج سفیانی، بحث‌های فراوانی مطرح شده است مانند، حتمی بودن سفیانی، زمان خروج سفیانی، مکان خروج، دشمنان سفیانی، حامیان سفیانی، جنگ‌ها و کشتارهای سفیانی و فرجام سفیانی و غیره.

یکی از مسائل قابل بررسی درباره سفیانی این است که سفیانی به لحاظ اعتقادی چه دینی دارد؟ این پژوهش با استفاده از روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، روایات فریقین (شیعه و اهل سنت) در باب نشانه‌های قیام را بررسی نموده و پس از پردازش اطلاعات به روش تحلیلی، دین سفیانی را تبیین می‌کند.

۱. واژه «قحطانی» تنها در روایات اهل سنت آمده و به یمانی اشاره دارد. حکومت قحطانی در احادیث اهل سنت صحیح تلقی شده و قحطان همان یمن یا بخشی از یمن است. روایات متعددی نیز بر این مطلب دلالت دارد (علیانسب، ۱۳۹۸: ۱۳۳).



درباره ضرورت این بحث هم باید گفت که اولاً بحث جامع و مبسوطی پیرامون دین سفیانی در روایات فریقین ارائه نشده و مباحث پراکنده و در مواردی غیر متقن ارائه می‌شود. در نتیجه ضرورت دارد که به صورت جامع دین سفیانی در روایات فریقین بررسی شود. همچنین دین و عقیده سرچشمه اعمال و رفتار انسان بوده و سبب انجام یک سری اعمال می‌شود به عبارت دیگر دین و اعتقاد به آن به یک سری مسائلی امر می‌کند و از یک سری مسائل نهی می‌کند. با توجه به اتفاقات آخرالزمانی سفیانی و خونی‌ریزی‌ها از جانب او، ضرورت دارد که مشخص شود این شخص به چه دینی اعتقاد دارد. و اگر منتظران حضرت مهدی علیه السلام و ویژگی‌های سفیانی، به‌ویژه جنبه اعتقادی و دینی او را نشانسانند ممکن است فریب ظاهر دین دارانه او را بخورند و به یاری او بروند و در مقابل امام زمان علیه السلام شمشیر بکشند؛ چراکه برخی روایات، چهره او را دین دار، در محراب مسجد اموی و علامت سجده در پیشانی معرفی کرده‌اند. درباره پیشینه بحث از سفیانی، کتاب‌های متعددی تدوین شده است از نصرت‌الله آیتی، مهدی همتی، محمد فقیه؛ سیدحیدر حسنی، نجم‌الدین طبسی، محمد یوسفی، و نیز مقالاتی از رضا مهدیان‌فر؛ عبدالهادی فقهی زاده، صادقی، مصطفی؛ ملکیان، محمدباقر؛ عرفان، امیر محسن؛ جولائی‌فروشان، مرضیه؛ جعفری‌پور، لکن هیچ‌کدام از آثار فوق، درخصوص دین سفیانی، بحث چندانی نکرده‌اند.

پایان‌نامه‌های زیر نیز با عنوان بررسی تحلیلی نشانه‌های حتمی‌الوقوع ظهور امام مهدی علیه السلام در روایات دانشگاه اصفهان ارشد ۱۳۹۱، مرتضی خوشنویس زاده، بررسی تطبیقی روایات سفیانی و نقس زکیه در منابع فریقین، دانشکده اصول‌الدین قم ارشد، ۱۳۸۵، محمدحسن شاطری احمدآبادی، بررسی تطبیقی روایات نشانه‌های ظهور در الغیبه نعمانی و الفتن نعیم ابن حماد، جامعه‌المصطفی ارشد ۱۳۹۷، محمد قاسم، تدوین شده است.

پس از بررسی‌های به‌عمل آمده مشخص شد که تاکنون کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای که به‌طور اختصاصی و مستقل، دین سفیانی را مورد بررسی قرار داده باشد به‌دست نیامد و این نگارش نخستین نوشتار اختصاصی پیرامون دین سفیانی است.

الف. مقایسه نمای کلی روایات سفیانی در منابع فریقین

۱- سند بیشتر روایات شیعه به معصوم می‌رسد و به‌ندرت روایتی وجود دارد که چنین نباشد (به‌عنوان مثال هلالی، ۱۴۰۵: ۷۵۵/۲) اما در منابع اهل سنت، تعداد کمی از روایات مربوط به سفیانی از معصومان علیهم السلام است.

- ۲- در ۱۳ روایت شیعی، بر حتمی بودن سفیانی تأکید شده، در حالی که در منابع اهل سنت، چنین تصریحی وجود ندارد.
- ۳- سفیانی در بیشتر روایات شیعه، همراه با چند علامت مشهور؛ نداء، نفس زکیه، فرورفتن سرزمین بیداء و گاه یمانی یاد شده است؛ در حالی که منابع اهل سنت، چنین نیست.
- ۴- در منابع شیعه اگر سفیانی با موعود آخرالزمان ارتباط داده شده است، لفظ «القائم» به کار رفته؛ اما در منابع اهل سنت «المهدی» آمده است. حتی در روایاتی که مضمون آنها کاملاً یکی است، راوی یا منبع نقل کننده، این دو لفظ را تغییر داده‌اند. نعمانی می‌گوید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ لِلْقَائِمِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ ظُهُورُ السُّفْيَانِيِّ...» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۲) یوسف بن یحیی مقدسی همین روایت را به همین طریق از نعمانی با تعبیر «المهدی» به کار برده است (مقدسی، ۱۳۹۹: ۱۱۳) احمد بن جعفر بن منادی، ۵۸ مرتبه، کلمه مهدی را به کار برده، ولی واژه قائم تنها یک مرتبه به این معناست (منادی، بی تا، ۲۶۶) در عقدالدرر لفظ قائم تنها یک مرتبه به کار رفته، (مقدسی، ۱۳۹۹: ۲۲۶) در حالی که «مهدی» چند صد مرتبه است.
- ۵- در روایاتی از شیعه به ظهور سفیانی در ماه رجب اشاره شده است (نعمانی، همان: ۳۰۰؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۵۵۶/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۴/۵۲).
- ۶- در روایات شیعه، مقابله سفیانی با مهدی و دشمنی او با شیعه و اهل بیت رسول خدا محسوس تر است، اما در منابع اهل سنت بیشتر از دشمنی او با مردم کوفه، مدینه، زوراء، عموم بنی هاشم، گاه بنی عباس، خراسانی و اهل مشرق سخن گفته می‌شود (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۴۳-۲۴۱).
- ۷- منابع اهل سنت، موضوع سفیانی را بیشتر به صورت داستانی پیوسته طرح کرده و به تفصیل درباره جنگ‌های او با مردم مناطق مختلف مانند شام، کوفه، مکه، مدینه و... سخن گفته‌اند، به گونه‌ای که اگر روایات به صورت مستقل گزارش شود کسی به ارتباط آنها با سفیانی پی نخواهد برد؛ به خصوص که در بسیاری از آنها نام سفیانی وجود ندارد.
- در این منابع اهل سنت به مکان‌های تاریخی زیادی مانند قرقیساء، حران، خراسان، حرستا، رمله، زوراء (بغداد)، جابیه روم، دمشق و... اشاره شده است.
- همچنین از بنی امیه، بنی عباس، پرچم‌های سیاه، خراسانیان و دیگر رویدادهایی که در تاریخ رخ داده، نام برده می‌شود.
- روایات شیعه، نام بیداء را مکرر آورده، ولی کمتر به فرورفتن لشکر سفیانی در آن تصریح دارد در احادیث اهل سنت، بیان اینکه لشکر اعزامی سفیانی به مدینه در منطقه بیداء فرومی‌رود بسیار بیشتر است (مروزی، بی تا، ۲۶۰-۲۵۵) البته بسیاری از این اخبار از آخرالزمان یا ظهور مهدی سخنی نگفته‌اند.



با آنکه تفاوت‌هایی در مضمون و کیفیت نقل روایات سفیانی در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارد، وجوه مشترکی نیز در میان آنها دیده می‌شود، از جمله:

- در روایات هر دو گروه موضوع دشمنی سفیانی و مهدی روشن است؛
- در روایات هر دو گروه از قتل و غارت وحشتناک و بی‌رحمی سفیانی سخن گفته شده و ارتباط ظهور سفیانی با دوران بنی امیه و بنی عباس و پرچم‌های سیاه و... در هر دو دسته از منابع وجود دارد؛
- در برهه‌ای از تاریخ، شیعه و سنی روایات زیادی از همدیگر اخذ کرده‌اند؛ مانند سند تعداد قابل توجهی از روایات نعیم بن حماد مروزی از طریق جابر از امام باقر علیه السلام است. علی بن موسی بن طاووس نیز بخش اول کتابش خلاصه الفتن نعیم بن حماد مروزی و بخش دومش خلاصه کتاب سلیلی است. منابع معاصر نیز به روایات همدیگر توجه دارند مانند حائری یزدی در الزام الناصب و عبدالعلیم البستوی در احادیث الامام مهدی.

ب. بررسی دین سفیانی

«دین سفیانی» از جمله مباحث قابل طرح و بررسی در روایات فریقین است. از این رو سؤال پیش رو آن است که بر اساس روایات فریقین دین سفیانی چیست؟ آیا مسلمان است یا به کیش و آیین دیگری عقیده دارد؟ برای پاسخ به پرسش‌های مذکور، منابع معتبر حدیثی فریقین اعم از کتب اربعه شیعه و صحاح سته اهل سنت و کنکاش در منابع حدیثی اختصاصی آخرالزمان، در آثار فریقین و تمامی نرم‌افزارهای حدیثی شیعه و اهل سنت، روایات حاکی از دین سفیانی را می‌توان در چهار گروه، دسته‌بندی کرد:

۱. مسلمان بودن سفیانی

نقل شده «تعداد کمی در وادی یابس نزد سفیانی می‌روند و به او می‌گویند: برایت شایسته نیست باعث از میان رفتن اسلام شوی، آیا خواری مردم و فتنه‌هایی که آنان را فراگرفته نمی‌بینی؟ تقوا پیشه کن. حرکت نما. آیا دینت را یاری نمی‌کنی؟ او می‌گوید من یار شما نیستم...» (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ۱۶۲/۲؛ مقدسی، ۱۳۹۹: ۹۱). «یا هذا، ما یحل لک أن تضع الإسلام، أما ترى ما الناس فیه من الهوان والفتن؟ فاتق الله واخرج، أما تنصر دینک؟ فیقول: لست بصاحبکم» این حدیث در منابع قدیمی دریافت نشد و اولین بار مقدسی از محدثان اهل سنت و سپس حائری از متأخران شیعه آن را نقل کرده‌اند. گرچه راویان این حدیث، در دوره‌های متأخراند و روایات الزام الناصب، چندان اعتباری ندارد، اما روایاتش فراوان نقل و ترجمه می‌شود و نویسندگان به آن استناد می‌کنند.

در بر خی روایات آمده: «گروهی از شیعیان آل محمد ﷺ همراه سفیانی هستند.» (عیاشی، بی تا: ۶۶/۱) «يُخْرِجُ أَنَا سَ كَانُوا مَعَ السُّفْيَانِي مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَيَخْرِجُ نَاسٌ كَانُوا مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَى السُّفْيَانِي فَهُمْ مِنْ شِيعَتِهِ» روایت اول در منابع اهل سنت نقل شده و در منابع اولی شیعه، خبری از آن نیست. حائری یزدی (م ۱۳۲۳) این روایت را با کمی تفاوت آورده و تفاوت تعبیر او باعث می شود این روایت مربوط به حاکم دمشق در دوره پیش از سفیانی باشد نه خود سفیانی. علاوه بر این روایت سلسله سندی ندارد و ظاهرش نشان می دهد مردم او را مسلمان می شمارند ولی او انکار می کند. گرچه روایت دوم، گروهی از شیعیان را همراه او دانسته، اما گروه دیگری را مخالف او می شمارد. پس این دو حدیث، دلیل بر مسلمانی او نیست. روایت سوم از نعیم بن حماد مروزی نقل شده؛ «شديدة الصفرة به أثر العبادة» که سخن حارث بن عبدالله است و نقل از رسول خدا ﷺ نیست. این روایت از اثر عبادت در چهره سفیانی حکایت می کند (ابن حماد، ۱۴۱۴: ۲۲۳). علی کورانی، این حدیث را چنین تحلیل کرده که سفیانی با ظاهر سازی دینی در تلاش است به حکومت خود مشروعیت ببخشد (کورانی، ۱۳۸۶: ۱۲۱) که او می خواهد خود را به ظاهر متدین نشان دهد که روایت دیگری از نعیم بن حماد مروزی می تواند شاهد این سخن باشد؛ که «يقتل العلماء و أهل الفضل و يفنيهم، و يستعين بهم فمَن أبا عليه قتله» سفیانی اهل فضل و دانشمندان را می کشد و نابود می سازد؛ چون برای نیل به مقاصد خود، از دانشمندان یاری می خواهد و آنان با سفیانی همکاری نمی کنند و هر کس سر باز زند او را به قتل می رساند.» (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴: ۲۲۵).

روایت صحیح ابن ابی عمیر از علی ﷺ از نشستن سفیانی بر منبر شام خبر می دهد «فَيَسْتَوِي عَلَى مَنبَرِهَا» (صدوق، ۱۳۹۵: ۶۵۱/۲) اگر این روایت، دلالت بر مسلمانی او هم نداشته باشد، حداقل نشان می دهد او خود را مسلمان می نمایاند. این مضمون در روایات اهل سنت مانند نعیم بن حماد مروزی (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴: ۲۲۶، ۲۳۵، ۲۴۹، ۵۰۹) و احمد بن جعفر بن منادی و عقد الدرر (مقدسی، ۱۳۹۹: ۴۵ و ۹۱) نیز آمده است؛ «فيقوم السفیانی فی أصحابه خطيبا علی منبر دمشق» (ابن منادی، بی تا، ۷۸ و ۸۶).

نعیم بن حماد مروزی در حوادث کوفه از عبدالله بن مسعود نقل کرده: «إذا عبر السفیانی الفرات، و بلغ موضعا يقال له عاقرقوفا مح الله تعالی الايمان من قلبه» چون سفیانی از رود فرات بگذرد و به محلی بنام عاقرقوفا برسد، خداوند ایمان را از او محو گرداند (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴: ۲۴۲؛ مقدسی، ۱۳۹۹: ۸۰) در روایتی دیگر از سفیانی به فاسق تعبیر شده «و مَا تَصْنَعُونَ بِالْمَدِينَةِ وَ إِنَّمَا يَقْصِدُ جَيْشُ الْفَاسِقِ إِلَيْهَا، و لكن عليكم بمكة فإنها مجمعكم» که حاکی از مسلمان بودن اوست (نعمانی،



۱۳۹۷: ۳۰۱) و نیز نقل شده: «یأتی دمشق فیقعد علی منبرها، و یدنی الفقهاء و القراء، و یضع السیف فی التجار و أصحاب الأموال، و یتصحب القراء، و یتستعین بهم علی أمورهم لا یمتنع علیه منهم أحد الا قتله» سفیانی بر منبر دمشق نشسته و به فقها و قراء نزدیک می شود، شمشیر بر گردن صاحبان اموال و تجارت می گذارد، با قاریان قرآن درخواست دوستی و مصاحبت نموده و بر امور خود از آنان یاری می جوید و هرکس با او مخالفت کند، سفیانی او را می کشد. (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴: ۵۰۹). برخی روایات نیز، سفیانی را دور از عبادت خدا معرفی کرده، مانند حدیثی که نعمانی نقل می کند: «لَمْ یُعْبِدِ اللّٰهَ قَطُّ وَ لَمْ یَرَ مَكَّةَ وَ لَا الْمَدِیْنَةَ قَطُّ» سفیانی هرگز خدا را عبادت نکرده و مکه و مدینه را ندیده است. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۶)

۲. نصرانی بودن سفیانی

در حدیثی نقل شده است: «وَ خُورُجُ السُّفِیَانِی بِرَأِیَةِ حَضْرَاءَ، وَ صَلِیْبٍ مِنْ ذَهَبٍ» خروج سفیانی با پرچمی سبزرنگ و صلیبی از جنس طلاست (حلی، ۱۴۲۱: ۴۶۹؛ عاملی نباطی، ۱۳۸۴: ۵۰/۳) و در حدیث دیگر نقل شده: «اهل مغرب از سفیانی تبعیت می کنند» (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴: ۲۲۹ و ۵۰۸). حمایت متحد و همگانی اهل مغرب از سفیانی با تأکید خاصی نقل شده است «یرجع السفیانی فیدعوا الی نفسه بجماعة أهل المغرب، فیجتمعون ما لم یجتمعوا لأحد قط لما سبق فی علم الله تعالی» (همان: ۲۲۹) این دو حدیث گویای آن است که اهل مغرب حمایت کم نظیری از سفیانی می کنند که ممکن است علت این حمایت هم کیش بودن سفیانی با مغربیان باشد و نیز ممکن است به جهت دشمن مشترک آنان باشد. بر اساس هر دو احتمال، غیرمسلمانی سفیانی تقویت می شود؛ اما بر اساس احتمال اول، مسیحی بودن سفیانی تأیید خواهد شد.

۳. نصرانی شدن سفیانی

محمد بن حسن طوسی از بشر بن غالب نقل می کند: «سفیانی در حالی که نصرانی شده از سرزمین روم برمی گردد.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۳) «یُقْبَلُ السُّفِیَانِی مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُتَنَصِّراً فِی عُنُقِهِ صَلِیْبٌ» در برخی نسخه های این روایت، تعبیر «منتصراً» قید شده که به معنای پیروز است. و در نسخه های دیگر عبارت «منتصراً» ذکر شده است که معنای نصرانی شده را در بردارد. به نظر می رسد با توجه به عبارت «فی عنقه صلیب» تعبیر «منتصراً» صحیح است. حتی اگر عبارت «منتصراً» نیز درست باشد باز هم تعبیر «فی عنقه صلیب»، مسیحی شدن او را تقویت می کند؛ اما این خبر ایراد دیگری دارد که علاوه بر ضعف سندی، نقل از معصوم نیست، بلکه سخن بشر بن غالب است. برخی

با استناد به روایت خاتون آبادی، نقل کرده‌اند: «او برای دفع حکومت خراسانی به روم می‌رود و در حالی که مسیحی شده، بازمی‌گردد.» (آیتی، ۱۳۹۰: ۱۳۹؛ به نقل از زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی به نقل از اربعین خاتون آبادی، ۱۳۶۱: ۱۵۳). این حدیث منسوب به خاتون آبادی در کتاب‌های حدیثی به دست نیامد. از ظاهر حدیث خاتون آبادی نیز چنین مطلبی استفاده نمی‌شود (خاتون آبادی، ۱۳۶۱: ۱۴۵) «و یذهب إلى الرُّوم لدفع الملك الخراسانی».

یوسف بن یحیی مقدسی از کعب الاحبار نقل کرده: «سفیانی از فرات عبور نمی‌کند مگر اینکه او در اعتقادش کافر شده است». سپس می‌گوید: «این حدیث را، امام ابوعمرو الدانی، در سنن خود و امام ابوالحسن محمد بن عبیدالکسائی در قصص الأنبياء علیهم السلام از کعب الاخبار نقل کرده‌اند» (همان: ۷۹)؛ «لا يعبر السفیانی الفرات إلا و هو کافر».

۴. تظاهر به زهد و مسلمانی

در ذیل روایتی که از نعیم بن حماد مروزی نقل شده، عبارت: «...هر کس از قاریان و فقهاء را که از دستور او امتناع کند، می‌کشد.» (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴: ۵۰۹) نشان می‌دهد که نزدیک شدن سفیانی به فقها و قاریان قرآن برای تثبیت موقعیت خود و سوءاستفاده از آنان است و روشن‌ترین سخن در خصوص دین سفیانی، سخن عقدالدرر است که «سفیانی در آغاز با زهد و عدالت، بر منابر شام مردم را موعظه می‌کند و هنگامی که قدرت و شوکت پیدا می‌کند، ایمان از قلبش زایل می‌شود و فسق و ظلم را آشکار می‌سازد» (مقدسی، ۱۳۹۹: ۱۶۸). «فأول ظهوره یكون بالزهد والعدل ویخطب له علی منابر الشام فإذا تمکن وقویت شوکته زال الإیمان من قلبه وأظهر الظلم والفسق» و در روایت یوسف بن یحیی مقدسی آمده: «وقتی شوکت او قوی شود، خدا ایمان را از قلبش محو می‌گرداند (همان: ۸۰) «فإذا اشتدت شوکته مح الله الإیمان من قلبه».

این وجه قابل جمع با دیدگاه‌های پیشین و جامع همه روایات است. به ویژه روایت صحیحی که از امام علی علیه السلام نقل شد.

بنابراین می‌توان گفت: سفیانی فردی است که اظهار زهد و عدالت دارد و در چهره‌اش اثر عبادت هم دیده می‌شود، اگرچه برای فریب مردم باشد؛ لیکن در باطن ایمان ندارد. مضمون حدیث یوسف بن یحیی مقدسی مبنی بر اینکه «سفیانی به هنگام عبور از فرات کافر است، با روایات محو ایمان از قلب سفیانی سازگار است؛ یعنی اگر در اوایل حرکت، زمینه‌ای برای هدایت داشته است. پس از کشتارهایی که انجام داده، باب هدایت را به روی خود بسته؛ و نور ایمان در وجودش خاموش شده است؛ روایتی از



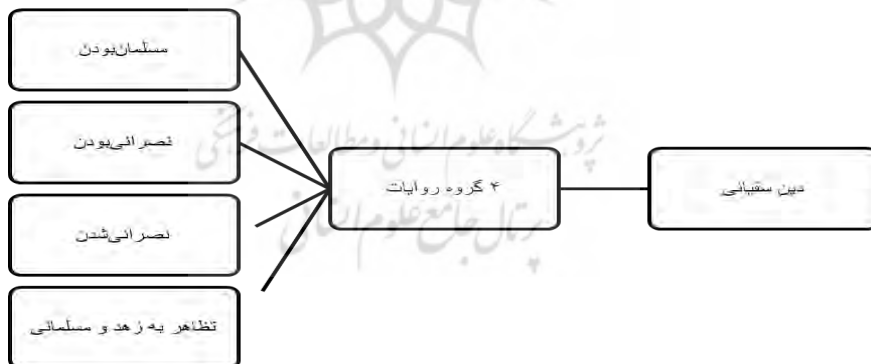
امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هذا الملعون يظهر الزهد قبل خروجه و يتقشف و يتقنع بخبز الشعير و الملح الجريش، و يبذل الاموال فيجلب بذلك قلوب الجهال و الارذال، ثم يدعى الخلافة فيبايعونه، و يتبعهم العلماء الذين يكتمون الحق و يظهر و الباطل»، «این ملعون (سفیانی) پیش از آنکه خروج کند با پوشیدن جامه درشت و خشن و قناعت کردن به نان جو و نمک نیم‌کوفته، اظهار زهد خواهد نمود و با بخشش اموال به مردم، دل‌های افراد نادان و فرومایه را به خود متمایل خواهد ساخت.» (خاتون‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۴۵). قابل‌ذکر است این روایت در منابع اصیل و معتبر شیعی نقل نشده و نخستین‌بار در کتاب «کشف‌الحق یا الاربعون» خاتون‌آبادی متوفای ۱۲۷۲ قمری نقل شده است.

لذا در منابع اهل سنت، سخن از مسلمانی و اثر عبادت در چهره او یا تظاهر به اسلام به چشم می‌خورد. اما در منابع شیعی سخن از مسیحی شدن ظاهری او، و بی‌دینی‌اش مطرح است. از آنجا که دین پایه و اساس دیگر باورها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان است، گرایش سیاسی و اجتماعی سفیانی نیز روشن می‌گردد که فرهنگ و گرایش سیاسی سفیانی بر ضد اهل بیت (عیاشی، بی‌تا، ۶۴/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۲/۵۲؛ یزدی حائری، ۱۴۲۲: ۹۶/۲) «حتی لا یكون هُمَّهُ إِلَّا آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و شیعتهم» و همراه با روم و مسیحیت است. و سفیانی با پرچمی سبز و صلیبی طلایی به گردن دارد (حلی، ۱۴۲۱: ۴۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۸/۹ و ۸۲/۵۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

- ۱- روایات حاکی از دین سفیانی را می توان در چهار گروه زیر دسته بندی کرد: الف. مسلمان بودن سفیانی؛ ب. نصرانی بودن سفیانی؛ ج. نصرانی شدن سفیانی؛ د. تظاهر به زهد و مسلمانی.
- ۲- منابع روایی اهل سنت درباره سفیانی، به مسلمانی، آثار عبادت در چهره و تظاهر به اسلام وی اشاره دارد، لیکن در منابع روایی شیعی تظاهر به زهد، بی ایمانی و تظاهر و تمایل به نصرانیت سفیانی به چشم می خورد.
- ۳- بر اساس روایات مورد اشاره نمی توان نسبت به دین سفیانی قاطعانه اظهار نظر نمود، لذا احتمال می رود وی مسلمانی باشد که پس از ارتباط با رومیان نصرانی می شود، و یا با توجه به موقعیت و شرایط پیش رو، هم تظاهر به مسلمانی می کند و هم با نصرانیت همسویی و همراهی دارد و در حقیقت کافر است و ایمانی به اسلام و نصرانیت ندارد.
- ۴- از آنجا که دین پایه و اساس باورها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را تشکیل می دهد، می توان گرایش سیاسی و اجتماعی سفیانی را در جهت ضدیت با اهل بیت علیهم السلام و آموزه های اسلام ناب ارزیابی نمود و احتمال کافر بودن او را تقویت کرد؛ چراکه دشمنی او نسبت به اهل بیت و جنگ با امام مهدی علیه السلام از موجبات کفر بوده و باعث جهنمی شدن است.





فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند، محقق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ناشر: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، سال چاپ، ۱۴۱۸ق.
۲. ابن منادی، احمد بن جعفر، الملاحم، بی تا (نسخه موجود در نرم افزار شمیم)، ۳۳۶م.
۳. اکبرنژاد، مهدی، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۴. آیتی، نصرت‌الله، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، قم: آینده روشن، ۱۳۹۰ش.
۵. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات والأخبار و الأقوال، قم: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۱۳ق.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ش.
۷. بستوی، عبدالعلیم عبدالعظیم، الموسوعة فی احادیث المهدی الضعیفه و الموضوعه، مکه: المكتبة المکیة و بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۲۰ق.
۸. حسنی، نذیر یحیی، المصلح العالمی من النظریه الی التطبيق، مؤسسه الکوثر، ۱۴۲۴ق.
۹. حلّی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، تحقیق مشتاق المظفر، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ق.
۱۰. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.
۱۱. خاتون‌آبادی، محمداصادق، کشف الحق، تهران: مؤسسه اهل‌البتیت، ۱۳۶۱ش.
۱۲. السادة، مجتبی، الفجر المقدس المهدی ارهاصات الیوم الموعود و أحداث سنة الظهور، اصفهان: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البتیت علیهم السلام، بی تا.
۱۳. سرور، ابراهیم، موسوعة علامات الظهور، بیروت: دارالمتقین، ۱۴۳۳ق.
۱۴. السند، محمد، فقه علائم الظهور، نجف: دلیلنا، ۱۴۲۹ق.
۱۵. صدر، محمد، تاریخ الغیبة الکری، نشر: دارالکتاب اسلامی، ۱۴۲۷ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۱۷. طباطبایی، محمد علی، ماتان و خمسون علامه حتی ظهور المهدی، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۱۹.
۱۸. عاملی نباطی، علی بن محمد بن علی بن محمد بن یونس، الصراط‌المستقیم الی مستحقی‌التقدیم، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ق.
۱۹. عاملی، جعفر مرتضی، توضیح الواضحات من أشكال المشکلات، بیروت: مرکز اسلامی للدراسات، ۱۴۲۴ق.
۲۰. علیانسنب، سیدضیاءالدین، بررسی تعداد و مصادیق نشانه‌های حتمی قیام حضرت مهدی علیه السلام در روایات شیعی و نقد برخی از آن‌ها، مجله پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹ش.

۲۱. _____، بررسی تطبیقی نشانه‌های حتمی قیام حضرت مهدی در روایات فریقین، قم: نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المكتبة العلمية الإسلامية، بی تا.
۲۳. فقیه، محمد، سفیانی و نشانه‌های ظهور، مترجم: شاهپور حسینی، تهران: انتشارات موعود عصر، ۱۳۹۰ ش.
۲۴. فیض کاشانی، محمد محسن، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، تهران: مؤسسة مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.
۲۵. قادری، رضی، مهدویت در صحاح سته، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۰ ش.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۲۷. کورانی عاملی، علی، معجم احادیث الامام المهدی، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. کورانی، علی، عصر ظهور، نشر: دارالهدی، ۱۳۸۶ ش.
۳۰. متقی هندی حنفی (م. ۹۷۵)، علاء الدین علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تحقیق احمد علی سلیمان، مصر: دارالغدا الجدید، ۱۴۲۴ ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. مقدسی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، تحقیق: عبدالفتاح محمدالحلو، قاهره: مكتبة عالم الفكر، ۱۳۹۹ ق.
۳۴. موسوی، سید فاروق، الحتمیات من الظهور، قم: مؤسسة سبطين العالمية، ۱۴۲۷ ق.
۳۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۳۶. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس هلالی (اسرار آل محمد)، قم: الهادی، ۱۴۰۵ ق.
۳۷. یزدی حائری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۲ ق.